

مقدمه و صعود عیسی مسیح

¹ صحیفه اول را انشا نمودم، ای تیوفلس، درباره همه اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد.² تا آن روزی که رسولان برگزیده خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد.³ که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشانش را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می گفت.

⁴ و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده اید.⁵ زیرا که یحیی به آب تعمید می داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت.⁶ پس آنانی که جمع بودند، از او سؤال نموده، گفتند: خداوند، آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟⁷ بدیشان گفت: از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید.⁸ لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.

⁹ و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی نگرستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود.¹⁰ و چون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند، هنگامی که او می رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده،¹¹ گفتند: ای مردان جلیلی، چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید.¹² آنگاه به اورشلیم مراجعت کردند، از کوه مسمی به زیتون که نزدیک به اورشلیم به مسافت سفر یک روز سبت است.¹³ و چون داخل شدند، به بالاخانهای برآمدند که

در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند.¹⁴ و جمیع اینها با زنان و مریم، مادر عیسی، و برادران او به یکدل در عبادت و دعا مواظب می بودند.

انتخاب جدید رسول دوازدهم

¹⁵ و در آن ایام، پطرس در میان برادران که عدد اسامی ایشان جمله قریب به صد و بیست بود برخاسته، گفت:¹⁶ ای برادران، می بایست آن نوشته تمام شود که روح القدس از زبان داود پیش گفت درباره یهودا که راهنما شد برای آنانی که عیسی را گرفتند.¹⁷ که او با ما محسوب شده، نصیبی در این خدمت یافت.¹⁸ پس او از اجرتظلم خود، زمینی خریده، به روی درافتاده، از میان پاره شد و تمامی امعایش ریخته گشت.¹⁹ و بر تمام سکنه اورشلیم معلوم گردید چنانکه آن زمین در لغت ایشان به حقل دما، یعنی زمین خون نامیده شد.²⁰ زیرا در کتاب زبور مکتوب است که: خانه او خراب بشود و هیچ کس در آن مسکن نگیرد و نظارتش را دیگری ضبط نماید.²¹ الحال می باید از آن مردمانی که همراهان ما بودند، در تمام آن مدتی که عیسی خداوند با ما آمد و رفت می کرد،²² از زمان تعمید یحیی، تا روزی که از نزد ما بالا برده شد، یکی از ایشان با ما شاهد برخاستن او بشود.²³ آنگاه دو نفر، یعنی یوسف مسمی به برسیا که به یوسفس ملقب بود و متیاس را برپا داشتند،²⁴ و دعا کرده، گفتند: تو، ای خداوند، که عارف قلوب همه هستی، بنما کدام یک از این دو را برگزیده ای²⁵ تا قسمت این خدمت و رسالت را بیاید که یهودا از آن باز افتاده، به مکان خود پیوست.²⁶ پس قرعه به نام ایشان افکندند و قرعه به نام متیاس برآمد و او با یازده رسول محسوب گشت.